



دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۹۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۹۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۹ شعبان ۱۳۴۸</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۰۸ \* ( ۲۹ شعبان ۱۳۴۸ )

## فهرست مذاکرات

- |   |  |
|---|--|
| ۱ ( تصویب صورت مجلس                           | ۴ ( بقیه شور دوم تامین مدعی به از ماده ۲       |
| ۲ ( تصویب مرخصی آقای بروجردي                  | ۵ ( تقدیم لایحه منع ورود نقره و تصویب فوریت آن |
| ۳ ( مذاکرات نسبت بلاجه اضافه عایدات پست هوایی | ۶ ( ختم جلسه - موقع و دستور جلسه بعد           |

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس روز یکشنبه ۶ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \* \*

- |                              |                                 |
|------------------------------|---------------------------------|
| رئیس - آقای فیروز آبادی .    | رئیس - آقای کازرونی             |
| فیروز آبادی - قبل از دستور . | کازرونی - قبل از دستور          |
| رئیس - آقای فرخی             | رئیس - آقای طلوع                |
| فرخی - قبل از دستور          | طلوع - قبل از دستور             |
| رئیس - آقای زوار             | رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ |
| زوار - قبل از دستور          | جمعی از نمایندگان - دستور       |

\* عین مذاکرات مشروح نود و هفتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵ )  
دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین « اجازه - آقابان : فهیمی - حسنعلی میرزا دولتشاهی افخمی - شریعت زاده - امیر اسدالله خان عامری - دکتر امیر اعلم - فولادوند - دیوان بیگی - آقا زاده سبزواری - موقر ملک مدنی - اورنگ - حاج سید محمود - بروجردي - امیر حسین خان - مهدوی - کفائی - ارباب کبکخسرو - رفیع - تیمورتاش . غائبین بی اجازه - آقابان ، میرزا حسنخان وثوق - بوشهری - آصف - اعظم - لرستانی - قوام - حاج رحیم آقا میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک دبر آمدگان با اجازه - آقابان ، سید کاظم - پالیزی - اسدی - مولوی - حکمت - مسعودی . دبر آمده بی اجازه - آقای یات .

فیروز آبادی - بنده با ورود در دستور مخالفم

رئیس - در صورت مجلس نظری نبود صورت مجلس تصویب شد. آقای فیروز آبادی فقط راجع بعدم ورود در دستور و لزوم مذاکرات قبل از دستور صحبت بفرمائید  
فیروز آبادی - بنده مقصودم این است که خدمت آقایان عرض کنم ان مجلسی که بیک خون دلها و بایک صدماتی و بایک قتل هائی و دار هائی و حبس هائی و تبعید هائی گرفته شد. نتیجه اش برای چه بود البته همه آقایان میدانند که بایستی قبل از دستور هر کس هر مطلبی دارد بگوید پس خوبست آقایان اجازه بدهند که هر کس عرضش را بکند بالاخره اگر آن عرضش صحیح است که البته آقایان هم موافقت میفرمایند و اگر خیر صحیح نبود که میفرمایند نا صحیح است اگر میفرمائید وقت کم است جلسات را بیشتر کنید هفته چهار جلسه پنج جلسه شش جلسه کنید بالاخره اگر اجازه داده نشود که يك مطالبی عرض شود مثل این است که يك حقى از همه آقایان ضایع شده باشد و بنده گمان نمیکنم هیچیک از آقایان و کلاء راضی باشند که این حق ضایع شود لهذا بنده استدعا میکنم که آقایان اجازه بفرمایند که هر کس عرایضی دارد بعرض برساند

چند نفر از نمایندگان - دستور دستور

رئیس - آقایانیکه با ورود در دستور موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) اکثریت است تصویب شد  
[ ۲ - تصویب مرخصی آقای بروجردی ]

رئیس - رابرتی از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است

فرخی - بنده با دستور مخالفم. اینجا بنده حرفم را نزنم پس کجا باید حرف زد  
رئیس - اراده اکثریت حاکم است وقتی که نجویز نمیکند میشود حرف زد  
کازرونی - بنده در دستور عرض دارم

رئیس - اجازه بفرمائید يك فقره مرخصی است

مطرح شود بعد بفرمائید

خبر مرخصی آقای بروجردی

نماینده محترم آقای بروجردی از ۱۴ بهمن ۱۵ روز تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون با نظریه ایشان موافق اینك خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده بهمان عقیده که همه وقت خدمت آقایان عرض میکنم باقی هستم و بالاخره نمیتوانم با این قبیل مرخصی ها موافقت کنم مگر اینکه يك مقداری از حقوقشان را تخصیص به فقرا بدهند. و آقای ثقة الاسلام هم این دفعه چندم است که مرخصی خواسته اند و بنده کاملاً مخالفم.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - آقای ثقة الاسلام مکرر در مکرر مرخصی نخواسته اند و این دفعه هم که مرخصی خواسته اند برای التزام رکاب همایونی بود است و آقایانیکه در این فقره در رکاب همایونی بوده اند صرف نظر از اینکه خدمتی کرده اند و يك مشکلاتی را رفع کرده اند مبالغی هم خرج کرده اند بعلاوه آقای بروجردی هم مریض شده اند بنابر این خوبست آقا موافقت بفرمایند

رئیس - آقایانیکه با این خبر موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

[ ۳ - مذاکرات نسبت با اضافه عایدات پست هوائی ]

رئیس - (خطاب به آقای کازرونی) منظور شما این است که خبر کمیسیون بودجه مطرح شود؟

کازرونی - بلی

رئیس - همان هم مطرح خواهد شد خبر کمیسیون قرائت میشود:

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۴۷۷۷۷ وزارت پست

و تلگراف را در تحت شور و مذاقه قرار داده و در جلسه هشتم بهمن با اتفاق آراء ماده واحده ذیل را تصویب و اینك خبر آن تقدیم میشود

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد مبلغ بیست و پنج هزار تومان از محل عایدات سال ۱۳۰۸ پست هوائی بوزارت پست و تلگراف اعتبار دهد که مطابق قانون مورخ سوم اردیبهشت ۱۳۰۸ در وجه کمپانی هوا پیمائی یونکرس در طهران پرداخت نماید  
رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میکنم که بنده با این ماده مخالفم اینجا نوشته شده است بیست و پنج هزار تومان از محل عایدات سال ۱۳۰۸ پست هوائی بوزارت پست و تلگراف اعتبار دهد بنده میخواستم توضیح داده شود که این مبلغ در هیچ جای بودجه عمومی ۱۳۰۸ منظور شده است و آیا این اضافه عایدی است که از عایدات پست هوائی حاصل شده است یا چیز دیگری است اگر عایدات پیش بینی شده زود شده است از این قسمتی که در این جا پیش بینی شده این اشکالی ندارد و اگر چنانچه عایدات اضافی دارد یا ندارد از آنچه که در بودجه عمومی هست بعقیده بنده قدری اشکال دارد کازرونی - (مخبر کمیسیون بودجه قدیم) - البته

نماینده محترم در نظر دارند که در بودجه سال ۱۳۰۸ پیش از دو هزار تومان اعتبار داده نشد ملاحظت بوزارت پست و تلگراف در هر ماهی راجع با اضافه حقوق پستی کمپانی یونکرس و چون در قانونیکه در اردیبهشت ۱۳۰۸ از مجلس گذشت اینطور ذکر شده که تمام اضافه پست متعلق باوست و چون عوائد اضافه پستی بیش از دو هزار تومان است و معمولاً تمام پول و عوائد پستی بخزانهدار شده است و خزانه هم هیچ پولی را تأدیه نمیکند مگر برطبق يك قانونی از این جهت این لایحه را تقدیم کرده است که آن اضافه بر دو هزار تومان هم ندارد یونکرس داده شود احتشام زاده - اشکال ایشان را متوجه نشدید

کازرونی - همین بود اشکال ایشان

رئیس - آقای کیا

کیانوری - عرض کنم همینطوری که فرمودند در بهمن ۳۰۴ قرار بود که آنچه عایدات پست هوائی میشود دو هزار تومانش بخود اداره یونکرس داده شود زائدش را دولت بگیرد اگر در این قانون ۳۰۸ قرار گذاشته اند که آنچه عایدات هست کمپانی پست و علاوه بر این مسئله سه قران در هر فرسخی که در مدت هیجده ماه قرار گذاشته است آنهم منقضى شده است و بنده مایل داشته آقای غیر توضیح بدهند که بعد از تقضی او چه ترتیبی شده علاوه بر این میخواستم بدولت تذکر بدهم که در باب مسافرتین چه قراری گذاشته اند آیا هر جور تا کسی را که خود اداره دلش میخواهد از مردم بگیرد. اینکه در این باب هم يك قراردادی گذارده اند.

مخبر - بنده مجبوره که يك توضیحات بیشتری بدهم  
دشتی - خیلی متشکر میشویم برای اینکه از توضیح اولی چیزی نفهمیدیم

مخبر - در بهمن ۱۳۰۷ قرار دادی که با یونکرس منعقد شده و از مجلس گذشته اینطور معین شده است که اولاً در سه خط معین که بوشهر است و قصر است و پهلوی در این سه خط در مدت هیجده ماه از برای هر فرسخی سه قران بدهند (بعضی از نمایندگان - هر کیلومتری) بده خیلی خوب. سه قران تأدیه شود اما در مدت هیجده ماه و همچنین بر طبق قرار داد اولی مقرر بوده است که از بابت اضافه نرخ پستی تا مبلغ دو هزار تومان اگر اضافه نرخ پستی باشد به اداره یونکرس داده شود و اگر از دو هزار تومان تجاوز کند بمنفعت دولت ضبط شود در ۱۳۰۸ يك ماده واحده دیگری وزارت پست و تلگراف از مجلس گذرانده است که در آن ماده اینطور مقرر شده که آن اضافه نرخ پستی که محدود بخود معینی است که دو هزار تومان است آن حدش را بردارند و هر قدر اضافه نرخ پستی باشد تنها به اداره یونکرس داده شود و آن فرسخی سه قران است (بعضی از نمایندگان - کیلومتری)

دران مدت هیجده ماه و البته راجع به آن مدتش که منقضی شده یا در شرف انقضاء است راجع به اداره یونکرس برطبق ماده شش یا پنج که حالا درست در خاطر من نیست اینطور معین شده است که اگر چنانچه یک خط دیگری را دولت بخواهد تأسیس کند باید برطبق همان قرارداد بهش رفتار کند یعنی آن کیلومتری سه قران را هم بهش بدهد دولت وقتی که در اردیبهشت ۱۳۰۸ این را این ماده واحده را از مجلس گذرانده است اضافه عایدی پستی را تخمین کرده بود که بیش از دو هزار تومان میشود بالاخره و از آنطرف دولت راجع به کیلومتری سه قران هم به یونکرس گفت حاضر نیستیم بشما چیزی بدهم بالاخره تراضی شد باینکه آنچه اضافه از دو هزار تومان باشد دولت رد کند و حذف کند یعنی تمام عوائد اضافه نرخ پستی به اداره یونکرس تأدیه شود و اداره یونکرس هم از آن فرسخی (یکی از نمایندگان - کیلومتری) سه قران صرف نظر کند این قانون را از مجلس گذراندند و در بودجه ۳۰۸ هم دو هزار تومان معین شده از روی تخمینی که سابق جهت اضافه نرخ پستی که با اداره یونکرس کارسازی میشود دو هزار تومان است چون حالا عوائد اضافه نرخ پستی بیش از دو هزار تومان است و خزانه هم برطبق یک قانونی باید اضافه را تأدیه کند لهذا این ماده را پیشنهاد کرده است که برطبق این ماده واحده تمام اضافه نرخ پستی را از خزانه بگیرد و به اداره یونکرس بدهد و اما راجع بمسافرین که فرمودند البته بنده تصدیق میکنم که راجع بمسافرین از روی میل و هوی و هوس خودشان گاهی زیادتر و گاهی کمتر میگیرند و معمولاً اگر چنانچه ما بخواهیم مقایسه کنیم کرایه مسافرین را با سایر نقاط می بینیم در اینجا خیلی زیاد گرفته میشود بنده در همین موضوع با وزیر پست و تلگراف صحبت داشتم بلکه آقای وزیر پست و تلگراف هم با خود اداره صحبت داشتند ایشان هم خودشان یک علی اقامه میکردند بالاخره اداره یونکرس هم دلیلی را که اقامه میکند این است که بر طبق قرارداد دادی که من با دولت دارم این است که در اینجا تا

بوشهر صد تومان از دولت میگیرم از مردم هم همین مبلغ را میگیرم پس معلوم میشود که دولت یک قرار دادزدی بسته است و البته در آتی در موقعی که دولت میخواهد قرار دادش را تجدید کند بایستی این ملاحظات را بکند رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - عراضی که بنده داشتم تشریف داشتن آقای وزیر پست و تلگراف را هم ایجاب میکرد برای اینکه بنده یک سئوالی داشتم راجع باصل قرار داد با یونکرس که میبایستی ایشان جواب بدهند اولاً راجع باین لایحه اگر بمقدمه لایحه دولت مراجعه شود یک چیز گنگی بنظر میرسد میگوید در قرار داد یونکرس قرار شده است اگر اضافه نرخ حاصل شد با اداره یونکرس بدهند ولی بعد از آن قانون اردیبهشت ۳۰۸ هر ماهی پنج هزار تومان متجاوز عایدی پیدا شده است حالا که اینطور هست بوژارت پست و تلگراف اجازه داده میشود که بیست و پنج هزار تومان با اداره یونکرس بدهد خوب این بیچه مناسبت است از روی چه حسابی است اگر برطبق قانون سوم اردیبهشت ۳۰۸ تمام اضافه تا کس چهار خط متعلق است بکمپانی یونکرس تمام این اضافه تا کس در هفت ماه اخیرش اظهار میکنند که از ماهی پنج هزار تومان متجاوز است در صورتیکه هنوز یکماه و نیم دوماه مانده است باخر سال و هنوز معلوم نیست این اضافه نرخ چه میشود برطبق قانون سوم اردیبهشت آنچه اضافه عایدات پیدا شد متعلق با اداره یونکرس است هفت ماه آخر سالش میشود سی و پنج هزار تومان از شهر یور که میگویند پنج هزار تومان متجاوز است حالا پنج هزار تومان اگر حساب کنید سی و پنج هزار تومان میشود متجاوز اگر باشد چهل هزار تومان از روی چه حسابی است که این مقدمه منتج باین نتیجه میشود حالا در صورتیکه قانون پیش دو هزار تومان بوده و در بودجه هم دو هزار تومان منظور شده است آنوقت از بعد از تصویب آن

قانون ماهی پنج هزار تومان علاوه شده است خوب حالا بیست و پنج هزار تومان اجازه میدهند که وزارت پست و تلگراف با اداره یونکرس بدهد این نتیجه از کجای این مقدمه استنتاج میشود در صورتیکه الان یکماه و نیم مانده است باخر سال و عوائد اضافی معلوم نیست و آن حداقل هم که از اول شهریور معین شده است که از اول شهریور تا بحال از پنج هزار تومان هم زیاد تر بوده است پس این میشود قریب سی و پنج هزار تومان چهار هزار تومان حالا این مبلغ بیست و پنج هزار تومان از کجا معلوم میشود که این اضافه تا کس را باید بدهند این سئوالاتی است که بنده داشتم موضوع دیگر این است که در قرار داد یونکرس یک تعهداتی را مؤسسه هوا پیمائی کرده است که بایست آنها را انجام بدهد یکی تأسیس مدرسه هوا پیمائی است برای تعلیم و تعلم و شاگرد تربیت کند آیا به این تعهد عمل شده است یا نه؟ همینطوریکه ما راجع به پول دادن باید شرط را عملی کنیم و آن اضافه تا کس را بدهیم و حالا هم قانون بگذرانیم که بیست و پنج هزار تومان را بهش بدهیم باید او هم کاملاً تعهداتش را اجرا کند حالا بنده میخواهم به بینم که مدرسه هوا پیمائی تأسیس شده است و شاگردی در آنجا تربیت شده است تا قیام قیامت باید هوا پیمائی را باید در قسمت «ز» میگوید که باید متدرجاً طرق دیگر دائر بشود که منجمله خطوط یزد و کرمان و دزداب است حالا بنده میخواهم عرض کنم در صورتیکه اضافه تا کس این اندازه هست که برای او صرفه دارد که این خطوط را دائر کند آیا دولت با او داخل مذاکره شده است یا نه؟ بنده میخواهم این مذاکرات در اینجا مطرح شود تا اینکه معلوم شود این مؤسسه تعهدات خودش را انجام داده است یا نه؟ و این مبلغ از روی چه حسابی بوده است حالا اگر آقای مخبر مستحضرد بفرمایند

مخبر - عرض کنم این بیست و پنج هزار تومان اضافه بر مبلغ دو هزار تومان اعتبار است که در ۳۰۸

داده شده است و این از محل اضافه نرخ پستی است و مربوط بسایر عوائد دولت نیست حقاً باید تمامش عاید یونکرس شود لکن اینجا نمیتواند وزارت پست و تلگراف تمام عوائد را به خزانه بدهد چنانچه عرض کردم خزانه هم تا قانونی در مقابلش نباشد تأدیه نمیکند لذا اعتبار میخواهد که آن پول یعنی هر چه اضافه نرخ پستی است به او تأدیه کند اما آن اضافه نرخ پستی بیست هزار تومان یا بیست و پنج هزار تومان است چون اعتبار است البته زیاد تر داده نخواهد شد اما در خصوص مدرسه که فرمودید یک قرار دادی با ما منعقد کرده است این مدت هم مشغول تهیه مقدماتش بوده اند و چنانکه بنده اطلاع دارم قریباً مدرسه اش دائر خواهد شد توسط وزارت جنگ و تمام وسائلش را موجود کرده و شاید یکماه بیشتر طول نمیکشد که مدرسه هم دائر خواهد شد اما در خصوص سایر خطوط که فرمودید البته دولت هر وقت مقتضی دانست و اسباب برای او موجود شد بر طبق قرارداد دادی که دارد خط را دائر خواهد کرد

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار راجع به این موضوع رسیده است قرائت میشود:  
پیشنهاد آقای اعتبار

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون عدلیه راجع به تأمین مدعی به مقدم باشد و این لایحه در درجه دوم مطرح گردد رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - با توضیحاتی که از طرف آقای مخبر و سایر آقایان داده شد بنده هیچ نفهمیدم چنانچه سایر آقایان ملتفت نشدند بالاخره این توضیحات کجایش با بیست و پنج هزار تومان ارتباط پیدا میکند نمیدانم و این بیست و پنج هزار تومان از محل عایدات ۱۳۰۸ هیچ ربطی با اضافه نرخ پستی و غیره ندارد باین جهت خواستم این لایحه باشد و آقای وزیر پست و تلگراف تشریف بیاورند و توضیحات بیشتری بدهند تا آقایان مسبوق شوند آنوقت رأی گرفته شود (صحیح است)

کلالی - خیر آقای مخبر خوب دفاع کردند

رئیس - آقای جلایی هم به بنده یاد آوری میکنند که خوب است آقای وزیر برای توضیح حاضر باشند ولی ایشان کسالت داشتند بنده هم بایشان تلفون کرده بودم شاید حالشان مساعد نبوده است که بیایند پس اگر موافقت میفرمائید معطل بداریم این کار را بعضی از نمایندگان - صحیح است

کازرونی - آقا بنده مخالفم از اینکه از دستور خارج شود اجازه میفرمائید؟  
رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض کنم این لایحه يك لایحه مهمی نیست که تعویق یا تأخیر یا تعجیل در آن مستلزم تضییع مصالحی برای دولت باشد. دولت بر طبق يك قانونی که از مجلس گذشته است در مقابل يك مؤسسه خارجی يك تعهداتی دارد و حالا اعتبار میخواهد که از خزانه داری آن اضافه نرخ پستی را که قانون برایش گذراندم بگیرد و آن مؤسسه بدهد (جهانشاهی - چه اصراری دارید شما) دیگر این توضیحاتیکه میفرمائید خارج از این ماده واحده است و هیچ ارتباطی باین ماده واحده ندارد اگر چنانچه سایر نقاط باید دائر شود و نشده ضرری باینجا وارد نمی آورد و سبب تأخیر این نمیتواند باشد شما هر توضیحی بخواهید که مربوط باین ماده واحده باشد عرض میکنم که هرگاه يك قرار داد جدیدی آمد بمجلس راجع بیونکرس شما تمام مطالبی که دارید میتواند آنجا اظهار کنید ولی فعلاً شما يك قانونی گذرانده اید و دولت هم تعهد کرده است که اضافه نرخ پستی را باو بدهد پویش هم حاضر است عرض کنم از اضافه نرخ پستی است نه از عایدات مملکت

رئیس - آقایانیکه موافقت موقتاً با خروج این لایحه از دستور قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) اکثریت است [ ۴ - بقیه شور دوم لایحه تأمین مدعی به از ماده دوم ]  
رئیس - ماده دوم لایحه تأمین مدعی به مطرح است

قرائت میشود:

ماده دوم - هرگاه دعوی بحکمیت رجوع شده باشد تأمین مدعی به باید از محکمه تقاضا بشود که قرار ارجاع بحکم را صادر کرده است

رئیس - آقای ونوق

ونوق - بنده در ضمن پیشنهاد اصلاحی دارم

رئیس - پیشنهادی نداده اید.

ونوق - الان

رئیس - دارید مینویسید؟ آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای ونوق پیش نهاد شما حاضر شد

آقا سید مرتضی ونوق - بلی. (پیشنهادشان را

تقدیم داشتند)

پیشنهاد آقای ونوق

مقام عالی ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکتها: بنده پیشنهاد میکنم که کلمه بدوی بعد از محکمه اضافه شود

رئیس - آقای ونوق.

آقا سید مرتضی ونوق - چون در ماده اول تصریح دارد که در محکمه استیناف تأمین مدعی به پذیرفته میشود و این ماده یک قدری آن تصریح ماده اول را متزلزل میکند مینویسد: هرگاه دعوی به حکمیت رجوع شده باشد تأمین مدعی به باید از محکمه تقاضا شود که قرار ارجاع به حکم را صادر کرده باشد. ممکن است محکمه استیناف قرار حکمیت را صادر کرده باشد اگر چنانچه محکمه استیناف قرار ارجاع به حکمیت را صادر کرده باشد میتواند این قرار را هم بدهد؟ اگر اینطور نیست پس همان محکمه بدوی که قرار ارجاع به حکم را داده است و محکمه ابتدائی است این قرار را صادر میکند این است که بنده پیشنهاد کردم که بعد از کلمه محکمه (بدوی) هم اضافه شود

یاسائی (مخبر کمیسیون قوانین عدلیه) - عرض میشود مقصود از محکمه که در ماده دوم نوشته شده است همان محکمه ابتدائی و صلحیه است که قرار ارجاع به حکم را صادر میکند مخصوصاً از ماده اول که نوشته شده است که در خواست تأمین در محکمه استیناف پذیرفته نمیشود این مطلب خوب معلوم میشود چه در مورد حکمیت و چه در مواردی که خود محکمه رسیدگی میکند ولی چون يك توضیحی است و ممکن است رفع اشتباهی بکند بنده قبول میکنم چون مقصود همان است  
رئیس - رای بگیریم به ماده دوم با افزایش کلمه (بدوی) بنحویکه آقای مخبر قبول نمودند. موافقتین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود: ماده سوم - در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به را رد نماید مدعی میتواند در حین محاکمه بشرط تقدیم دلائل جدید راجع به تأمین تجدید درخواست کند  
رئیس - آقای کیا

کیا نوری - بنده تصور میکنم که برای محکوم علیه و مدعی علیه خیلی مضیقه گرفته میشود و باین اندازه هم نمیتوان به مردم تحمیل کرد زیرا تقاضای تأمین مدعی به کرد و محکمه مقتضی ندانست با شرایط اولیه و با اینکه خود محکمه که حق داشت نظر بکند صلاح ندانست. اینجا نوشته شده است که دو مرتبه هر ساعتی مدعی بیاید و این تقاضا را بکند آقا اینکه صحیح نیست ممکن است این عبارت که اینجا نوشته شده است (با دلائل جدید) سبب شود که امروز يك دلائلی بیاورد و محکمه رد کند فردا يك دلائلی پیدا کند و يك اسنادی درست کند که آن ملک که برش من ادعا دارم مدعی علیه من میخواهد بفروشد چهار نفر هم بنویسند دو مرتبه بیاورد به محکمه. اینجا نوشته ام

چند دفعه ممکن است دفعه دوم هم رد شود دفعه سوم بیاورد به محکمه و بنده تصور میکنم این ماده با این ترتیب در خارج ممکن است سوء تفاهم ها و سوء استفاده هائی از این ماده بشود فقط بنده می توانم در این ماده دو نقطه اش را تصور کنم که با اجازه تجدید داده میشود یکی در صورتیکه محکمه مدعی علیه را محکوم کند زیرا تا مادامی که مدعی علیه محکوم نشده است آن اضطراب و اضطراب را ندارد در باب اعدای مال زیرا که ممکن است محکوم شود و ممکن است نشود ولی وقتی دبد محکوم میشود مالش را بغیر واگذار کند یا يك ترتیبی کند که مال را در معرض تضییع و تفریط و تلف قرار دهد فرض دومش این است که عین مدعی به باشد مثل یک خانه یا یک بغ مخصوص که مال مدعی بوده است و در بد مدعی علیه افتاده است و حالا محاکمه کرده است و مدعی حق خودش را ثابت کرده است البته در این موقع هم باز ممکن است آن کسی که محکوم به بی حقی شده است آن را تضییع کند بنا بر این مدعی چون عین مال مدعا بهش است و دلیل جدید هم مثل فرض اول (تفریط مال) برایش پیدا شده ممکن است تقاضای تأمین کند ولی اینکه در ماده نوشته هر گاه دلیل جدیدی برایش پیدا شد این جا ممکن است یک مرتبه دو مرتبه سه مرتبه اتفاق افتد و بنده تصور می کنم که این ترتیب برای قاضی و برای محکمه و برای مردم ایجاد یک زحمانی را خواهد کرد این است که بنده به نظر خودم همانطوری که عرض کردم تجدید تقاضا را فقط در دو مورد قرار دادم یکی اینکه محکمه حکم بدهد یکی هم اینکه مدعی به عین مال باشد در این دو مورد چون دلیل جدید هم پیدا می کند بتواند تجدید تقاضا کند ولی در غیر از این دو مورد من غیر حدود و بدون حد تکرارش را لازم و مفید نمیدانم و لازم است اقلاً یک حدی یک مرتبه یا دو مرتبه در این جا معین کرد و پیشنهاد خودم را هم در این زمینه تقدیم می کنم (تقدیم مقام ریاست نمودند)

مخبر - عرض میشود فرمایشات ایشان يك قسمت

راجع باین بود که این تجدید تقاضا یا تقدیم دلائل تازه ممکن است اسباب سخت گیری قضاة و سوء استفاده متداعین بشود ابتدا در لایحه که در شور اول آوردیم اگر نظر آقایان باشد يك چنین چیزی را نداشت بعد آقای دکتر عظیمی پیشنهاد کردند و در کمیسیون هم مذاکره شد که اگر کسی تقاضا کرد تأمین مدعی به را و ادله قویه نداشت و محکمه دلائل او را رد کرد بعد نائیباً يك دلیل قوی نری برایش پیدا شد محکمه اگر دید صحیح است بپذیرد. شما میفرمائید میروید استشهادی تهیه میکند و اسمش را میگذارد دلیل تازه. فرض این است که مدعی علیه در سندی که در دفاع از دعوای مدعی ارائه میکرد مدعی در ضمن همان سند استناد میکند و آن را دلیل حقیقت و اثبات حق خودش قرار میدهد و این يك دلیل جدیدی برای او میشود محکمه هم می بیند اگر این استناد صحیح است و واقعاً مدعی حق دارد نگاه میکند می بیند دلیلش قوی است آنوقت اظهارش متوجه میشود و حال آنکه سابقاً اینقدرها متوجه نبود اینکه فرمودند در صورت صدور حکم حق داشته باشد. در صورت صدور حکم مطابق ماده اول که حق دارد محکوم به را تأمین کند حرف سر صدور حکم نیست در حین رسیدگی است. در حین رسیدگی معنی ندارد حکم صادر شود این خفض جناح است. وقتی که مدعی تأمین محکوم به را تقاضا کرد محکمه ملزم است مطابق دلائلی که بعد میآورد قرار تأمین صادر کند اما آن قسمتی که در نظر گرفتید که عین مدعی به مورد دعوی باشد اینجا هم بنظر بنده تفاوتی ندارد اگر چنانچه من يك دلیل تازه پیدا کردم چه مدعی به عین آنچه می است که مورد دعوی است یا بر ذمه است مثلاً قبض رسیدی ابراز داشته آن قبض طوری نوشته شده که من میتوانم از آن استفاده کنم و محکومیتش را بهتر مدلل بکنم در این موارد هم بمنزله ادله تازه است و فرقی ندارد. اما يك نکته فرمودند که خود بنده هم این قسمت را تصدیق دارم و ممکن است پیشنهاد بکنند

و بنده قبول میکنم آن این است که تقاضای تجدید برای يك مرتبه باشد. تا بالاخره سُخره بازی نشود که هر روز محکمه قرار رد بدهد بعد مدعی باز فردا بیاید تجدید تقاضا کند. این قسمت اخیر حرف حسابی است و میشود قبول کرد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نظر باینکه نظر همه آقایان هم بر این است که دعاوی در عدلیه زیاد طول نکشد و زودتر خاتمه پیدا کند این ماده که آمده بمدعی حق داده که مکرر در مکرر تجدید تقاضا کند این خودش نقض غرض است و باعث طول دعوی است. در اصل دعوی و ادعا که این ماده مدخلیت ندارد مدخلیت این در واقع در مورد تأمین مدعی به است و تأمین مدعی به هم تا اندازه خوب است اگر بنا شود حق داده شود که در محکمه تکرار شود یعنی اگر محکمه رد کند باز مدعی تجدید کند این خودش اسباب طول دعوی و زحمت مردم است باین جهت بنده با این ترتیب مخالفم و عقیده دارم که وقتی محکمه رد کرد حق تجدید دعوی بی جهت باقی نماند مخبر - عرض میشود شما این حق را عالی ای حال برای مدعی قائلید که میتواند تأمین مدعی به بخواهد و این را موکول کرده اند به ادله مدعی که اگر ادله اش سند رسمی بود یا سند عادی در حکم سند رسمی بود محکمه قرار تأمین صادر میکند در ماده پنج درست توجه بفرمائید نوشته در صورتی که مستند دعوا سند رسمی باشد یعنی ذانا در حین تقدیم عرض حال سند رسمی باشد یا رسمی شده باشد یعنی چه؟ یعنی وقتی که متداعین میآیند و می نشینند ممکن است مدعی علیه يك اظهاراتی بکند مشعر بر صحت آن سند. آنوقت این سند تازه رسمی می شود چون مدعی علیه اصلش را در محکمه تصدیق کرده است ممکن است قبل از این که مدعی علیه اصلش را در محکمه تصدیق کند

محکمه بگوید سند عادی است و هنوز رسمی نیست آنوقت نسبت به تأمین مدعی به قرار رد صادر میکند ولی وقتی که مدعی علیه اقرار کرد که این سند را من داده ام و مال من است آنوقت اصلش محرز میشود تا بعد برود بطلانش را ثابت کند این سند رسمی میشود. پس تصدیق میفرمایند مواردی است که سند در ابتداء رسمی نیست ولی در عین محاکمه بر طبق اظهارات متداعین ممکن است رسمی شده و مورد استفاده طرف واقع شود در این صورت سند رسمی شده و مجدداً مدعی می تواند در خواست تأمین کند.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عقیده ام این است قانون بایستی دو طرفه باشد چنانچه قاضی هم باید به متداعین کاملابطور بی طرفی نگاه کند یک قانونی وضع میشود در حالتی که همچو حس میکند که شاید در واقع حق با مدعی است آنوقت روی این فرضی که شاید حق با مدعی است قانون وضع می کنید به نفع مدعی و این درست نیست و هم نظور که تصور میشود حق با مدعی است ممکن است تصور شود که شاید مدعی یکی از آن شرخرهایی است که نظایرش در ایران زیاد است و از صبح تا شام میگردند بینند کی دعوی دارد. طلب کهنه دارد بروند بخزند و در معرض استفاده قرار دهند. یا اشخاصی پیدا شوند ادعا کنند بر اشخاص و در ضمن تأمین مدعی به بخواهند که بواسطه این تأمین مدعی به در واقع زندگانی مدعی علیه بکلی یا بیچیده میشود و یا مجبور میشوند بصلح خانمه بدهند! بنده در هر صورت می بینم قانون تمام فشارها را در اینجا برای مدعی علیه قرار داده و بقدری تأمین مدعی به را تشدید کرده است که از تأدیه تمام مبلغ بمراتب شدیدتر است. در صورتیکه در خواست تأمین مدعی به را محکمه رد کند نائیباً تجدید کردن اصلاً لزوم ندارد تا شما بواسطه قانون و فرض تصویری يك قانون وضع کنید که يك کسی را در فشار بگذارید

و این عملاً صحیح نیست.

مخبر - عرض میکنم تکرار در مذاکرات مطلوب نیست ولی چون آقایان مطلب را از سر گرفتند بنده هم ناچارم از سر بگیرم فرض کنید بنده مدیونم به آقای طهرانى. ایشان سندی از بنده دارند هم نظور که عرض کردم ابتدا موقعی که ارائه میدهند: «من نوشته ام طلب آقای طهرانى از من فلان مبلغ» متبادر بندهن از این سند چیست؟ ظاهراً محکومیت من است تا آنکه خلافش ظاهر شود. شما در ذهنتان همچو جا میگیرد که با این سند من مدیونم در صورتیکه ممکن است پس داده باشم ولی تا زمانیکه بطلان این سند را من ثابت نکردم بنظر شما ظاهراً اینطور میآید که من مدیونم قاضی هم اینطور خیال میکند این اصل ظاهر است.

کازرونی - نظر قاضی نباید اینطور باشد

مخبر - قاضی هم که در محکمه نشسته مثل سایر مردم است چه فرق میکند دچار است این اصل ظاهر را در نظر بگیرد تا خلاف آن ثابت شود شما این احتمال را که ممکن است مدعی حرفش راست نباشد در نظر میگیرید اصل هم این است ولی عمل میگوید صد پنجاه بلکه بیشتر حق با مدعی است. عمل چندین ساله عدلیه هم اینطور میگوید که مرده تا عاجز نشوند تا مایوس نشوند تا بیچاره نشوند بعلیه مراجع نمیکنند و بیخود کسی حاضر نمیشود که خسارتی بخودش بزند و پول نمبر حق الوکاله بدهد و وقتش را بیخود تلف کند. ممکن است حرف شما هم درست باشد يك دعوا هائی پوسیده باشد ولی آنها بالاخره تمام میشود و از این بیعد انشاء الله ثبت اسناد توسعه پیدا میکند و کارها درست میشود و کم کم بواسطه قانون مرور زمان دعاوی پوسیده هم از میان میرود و مملکت راحت میشود ولی فعلاً اصل عملی این است پس اگر قانونی وضع میشود دائر بر تأمین مدعی به بمصلحت طرفین است بمصلحت محکمه و متداعین است زیرا در عمل دیده شد است صد پنجاه از محاکمات در نتیجه قرار

کیا نوری - عرایض بنده همان بود که عرض کردم و يك قسمش از آقای مخبر تصدیق کردند که نمیشود این اندازه بر مدعی علیه مضیقه گرفت و حق تجدید درخواست را غیر محدود کرد. البته این ماده چون مطلق نوشته شده است و معلوم نیست که آیا برای دو یا سه مرتبه است. هیچ حدودی ندارد از این جهت بنده تصور میکنم که اگر این ترتیب را محدود کنیم باین که اولاً یا بعد از صدور حکم باشد (چون بعد از صدور حکم مدعی علیه ممکن است برای تضییع حق مدعی حاضر شود که ماضی تضییع و تفریط کند) و یا ادله تجدید در خواست در مورد عین مدعی به باشد. يك فرمایشی آقای مخبر کردند فرمودند در ماده اول بعد از صدور حکم مدعی حق تأمین دارد در صورتی که در ماده هیچ همچو چیزی ندارد. در ماده اول فقط مدت را معین میکنند که حق دادن تأمین از روز انعقاد محکمه است الی زمانی که حکم صادر میشود و بگذرد. این ماده نمیگوید بعد از صدور حکم تجدید درخواست بشود لهذا این ماده را آمدم عرض کردیم که از برای مدعی در صورتیکه ادله جدیدی داشته باشد میتواند درخواست کند چون همانطور که آقای مخبر فرمودند ممکن است در حین محاکمه از اسناد طرف یا بواسطه قضایا و حوادث جدیدی يك خصرتی برایش پیدا شود و ادله جدیدی بدست آورد در اینصورت باید بهش حق داد ولی این حق باید محدود باشد و طوری نشود که هم قاضی و هم مدعی علیه برحمت بیفتند که هر اندازه که مدعی دلت میخواهد حق داشته باشد تجدید درخواست کند. البته ممکن است ادله جدیدی مدعی پیدا کند ولی باید گفت که برای يك مرتبه ممکن است تجدید درخواست کند. بنده تصور کرده آن يك مرتبه را بعد از صدور حکم قرار بدهیم بهتر است چون بعد از آنکه حکم صادر شد تصور خطر مال بیشتر است در اینصورت ممکن است این حق تجدید درخواست را در این مورد باو بدهیم. مورد دیگر هم این بود که عین مدعی به باشد مثلاً من نسبت باین خانه یا باغ یا آب بخصوص دعوا

تأمین اصلاح شده و خاتمه می پذیرند در عمل اینجور است و احصائیه اینطور میگوید. چرا امروز مدعی ها حاضرند بنایب الحکومه ها بفراشباشی ها تسلیم شوند؟ برای این است که نسبت بمدعی علیه ها ارفاق های زیادی شده بطوریکه مدعی خسته میشود از این جهت در بیرونها پیش نایب الحکومه ها و فراشباشی ها میروند آنها فوری طرف را میخواهند و روی اصول سابقه که معمول به است یکی از نمایندگان - کدخدای منشی

مخبر - کدخدای منشی و روی اصول سابق که معمول بوده است در مملکت دعوا را قطع میکنند آنها باینوسیله زودتر بمقصودشان نایل میشوند و اولاً اینکه بطرز غیر مشروع و غیر رسمی است در هر صورت مطابق اصول و عمل صلاح در این است که این قانون تأمین مدعی به همین صورت بگذرد اگر چنانچه تقاضای مدعی بواسطه نداشتن ادله رد شود البته اگر بعدش بطور مطلق باشد همین است که میفرمائید ولی باقید اینکه نوشته شده "در صورت داشتن ادله جدید" دیگر چرا نباید اجازه داد محکمه که در صورت ابراز دلایل جدیدی از مدعی قرار تأمین را صادر نکنند؟

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - پیشنهاد آقای کیا قرائت میشود:

پیشنهاد آقای کیا

مقام ریاست مقدس مجلس دامت شوکة العالی

پیشنهاد منجمه ماده سه بطریق ذیل نوشته شود:

در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به را رد نماید مدعی می تواند با وجود یکی از دو شرط تجدید درخواست نماید

۱ - مدعی علیه در محکمه محکوم شده باشد

۲ - تجدید درخواست از تأمین عین مدعی به بوده و با

ادله جدید باشد.

رئیس - آقای کیا

دارم میگویم اگر این را تأمین نکنید قبل از صدور حکم ممکن است این تلف شود ادله جدیدی هم دارم چون تأمین عین مدعی به می خواهد البته باید بهش حق داد که در صورت داشتن ادله جدیدی این تقاضا را بکند (چون اگر ادله جدیدی نداشته باشد در خواست داده قضای هم صلاح ندانسته و رد شد.) اگر ماده بین شکل بود نسبت بطرفین مراعات شده.

وزیر عدلیه (آقای داور) - بنده تصور میکنم ظاهر

بیاناتی که میشود البته خیلی خوب است. خوبست قدری خودمان را وارد عمل کنیم و فرض کنیم کسی آمده و دعوائی را اقامه کرده در ابتدای امر نحو استد تقاضای تأمین کند بعبارة اخری نحو است خبی بر مدعی علیه تعلق کند بخوبی اینکه تکلیفش زودتر معین خواهد شد. مدعی علیه آنوقت شروع میکند بیک تشبیهات قانونی برآورد ها و اشکال های قانونی که در این دعوا تولید می شود آنوقت مدعی بخیال تقاضای تأمین می افتد و پذیرفته میشود مدعی محاکمه اش در عدلیه طول میکشد دلایل جدیدی این مرتبه پیدا میکنند و شعر بر اینکه طرف دارد ماضی را تفریط میکنند محکمه دلایل را کافی نمیداند و تقاضایش را رد میکنند. آنوقت مدعی میرود دنبال اینکه دلایلش را تکمیل کند وقتی که دلایلش را تکمیل کرد و آورد تازه ش می خواهید جلو محکمه را بگردید؟ این دلایل جدید را چه به تأمین است پس هر وقت ولو پنج مرتبه ده مرتبه هم باشد هر وقت که يك دلایلی پیدا شد از برای اینکه تأمین ضرورت پیدا کرد باید این حق را بمدعی داد. اگر بنده دیروز يك دلایلی داشتم که کافی نبود از برای اینکه تجدید درخواست کنم آیا میشود بمن گفت فردا که دلایل تازه و افتخار کننده پیدا کردی (که حتماً افتخار کننده است) حق نداری تقاضا را تجدید کنی و نباید دلالت را پذیرفت؟! بنده خیال میکنم مسئله تأمین یکی از وسائل خیلی مفید برای جلوگیری

از طول محاکمات است و واقعا تأمین حق است بنا بر این بایستی سعی کرد دامنه اش را بسط داد هر وقتی که يك دلایل جدیدی پیدا شد (ولو دفعه دهم باشد) باید حق داشته باشد تقاضا کند. من تا دیروز نمیدانستم که این شخص مدعی علیه من آمده و يك قسمت از دارائی خودش را بطور مختلفه دارد باشخص مختلفه انتقال میدهد يك چیزی بنده شنیده بودم که نمی توانستم ثابت کنم حالا که می توانم ثابت کنم مثلاً سواد یکی از انتقالش را پیدا کرده ام چه ضروری دارد که این تقاضا را بکنم و محکمه هم برای دفعه دوم حرف مرا بد پذیرد پس خوبست آقای مخبر موافقت بفرمائید که این ماده بهمین ترتیب بگذرد بعد از آن دیدیم لزوم پیدا کرد ممکن است وقت دیگر اصلاحش کنیم. اینرا عظمین بشنید. قانونی که در این منکات وضع میشود خیلی میکشد قانون غیر قبل تغییر است و تعصب ها پیدا می شود و نسبت بین قوانین هم هیچ نگذرد نمی کنند که چه در عمل در می آیند اینها يك قوانینی است که باید گذاشت در کاغذ بماند و نتیجه اش گرفت این قوانین همیشه قبل تغییر و منظور بملاحظه و نظر آقایان و مجلس است هر وقت مقتضی شد میوریم و اصلاح آنرا میخواهیم قانون همیشه باید زنده باشد یعنی باید بزندگانی توان باشد. چون مقصود از قانون نتیجه است خود قانون که نمیتواند منظور و مقصود واقع شود قانون يك وسیله است بنابر این امروز که این قانون بنظر میرسد خواست آقایان اجازه بدهند که ما بین عمل کنیم بعد اگر در عمل دیدیم درس معینی هست یعنی اگر دیدیم که هی مرده میماند و بیخود تجدید در خواست میکنند و وقت محکمه را میگیرند آنوقت می آیم و محدودش میکنیم. فعلاً با مضامینی که قبل از این قانون شده بنده تصور میکنم اگر آقای کیا هم موافقت بفرمایید و پیشنهادشان را پس بگیرند بهتر است و بنده خیلی ممنون میشوم.

کیا - بنده مسترد میدانم

رئیس - یکی دیگر هم دارید هر دورا مسترد میدارید؟

کیا - خیر آن یکی را بفرمائید قرائت کنند. یکی را مسترد داشتم.

#### پیشنهاد دیگر آقای کیا

مقام منبع ریاست مجلس دامت شوکه العالی بنده پیشنهاد می نمایم که ماده سه بطریق ذیل نوشته شود:

در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به وارد نماید مدعی می تواند در حین محاکمه یک دفعه دیگر بشرط تقدیم دلائل جدید اقی آخر

رئیس - آقای کیا بفرمائید

کیا نوری - عرض بنده همان بوده که عرض کردم و آقای مخبر هم یک قسمتش را تصدیق کردند بنده تصور نمیکنم آقای وزیر تشریف بیاورند و با یک زبانهای شیرین تمام قضایا را حل کنند حالا باز خدمتشان عرض میکنم اگر برای دومرتبه کافی نمیدانند تصور میکنم یک مرتبه دیگر بهش اجازه بدهیم و این کفایت میکند آقای وزیر توجه بفرمائید باین قسمت بنده میدانم که حضرت مستطاب عالی نهایت درجه سرعت محاکمات اهمیت میدهند و در سرعت محاکمات میکوشید اگر بنا شود زیاده بر این حق بدهیم حقیقتاً ممکنست اسباب زحمت محکمه فراهم شود اگر اجازه بفرمائید اینطور نوشته شود که از برای دفعه دیگر که دو مرتبه باشد حق داشته باشد تقاضا کند بهتر است والا اگر حق داشته باشد مرتبه تقاضا کند این بر خلاف آرزوی حضرت تعالی و همه خواهد بود زیرا مقصود خود حضرت تعالی و همه سرعت جریان محاکمات است و تا این ترتیب محدود نشود گمان میکنم سرعت جریان محاکمه را ما لغو کرده ایم

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بطوریکه در دفعه اولی هم در پیشنهاد اولیه شان مذاکره شد ممکن است مدعی در حین محاکمه یک توضیحات و مقتضیاتی برایش پیش بیاید که بیش از ده مرتبه هم بتواند تقاضا کند. مثلاً فرض بفرمائید در

دفعه اولی تقاضای تأمین کرده محکمه رد میکند بعد اطلاع پیدا میکند که مدعی علیه در صدد تضییع است باز تقاضا میکند و محکمه رد میکند ولی در حین محاکمه اظهارات و اقراراتی از طرف میثمود که سند مدعی را حاکم رسمیت میدهد در اینصورت نمیتوان مدعی را محروم کنیم از اینکه بتواند حق تجدید تأمین بخواهد. گمان میکنم بهتر این است آقا موافقت بفرمایند که با داشتن دلائل جدید مدعی همیشه حق این را داشته باشد که تقاضای تأمین بکند چون اساساً منظور از این لایحه این است که مدعی به تأمین بشود و مدعی علیه هم مایم باشد طرف خودش را قانع کند و مقصود از محاکماتی هم که میشود همین است از این جهت خوب است موافقت بفرمائید که هر وقت مدعی دلائل جدیدی پیدا کرد بتواند از حق تأمین خودش استفاده کند

رئیس - آقاییکه پیشنهاد آقای کیا را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای شریعتزاده رسیده است.

#### پیش نهاد آقای شریعتزاده

پیشنهاد میکنم تجدید در خواست در مقدمات کتبی دعوی تا آخر جلسه اولی محاکمه جائز است مشروط بر اینکه مستند بدلیل جدیدی باشد

رئیس - آقای شریعتزاده

شریعتزاده - البته آقایان توجه دارند که تقاضای تأمین در دو مورد ممکنست بعمل آید: یکی قبل از صدور حکم و یکی بعد از صدور حکم. این مذاکرات مربوط است به تقاضای قبل از صدور حکم مطابق اصولی که فعلاً در عدلیه مقرر است رسیدگی محاکم تابع یک ترتیبی است. کلیه تقاضاها هم از تأمین یا غیر تأمین بایستی در مقدمات اولیه دعوی بعمل آید. یعنی پس از بجا آوردن تمام مقدمات مدعی می تواند از محکمه تقاضای تأمین بکند

یکی هم در آخر جلسه اولی میکند بنظر بنده این جلسه اولی محاکمه، محاکمه در ماهیت دعوی است چون اگر در متفرعات دعوا محکمه بخواهد رسیدگی کند راجع به صلاحیت و چیزهای دیگر شامل آن چیزهایی است که مقدمه است و جلسه اولی محاکمه در ماهیت دعوا بعمل میآید و محاکم غالباً در ماهیت دعوا بیش از یک جلسه رسیدگی نمیکنند برای اینکه اصول محاکمه طوری است که تمام مقدمات محاکمه ترتیبش باید قبلاً داده شود و از هر حیث فراهم شود بطوریکه وقتی محکمه جلسه میدهد تمام چیزها شده فقط برای یک توضیحاتی است که خود محکمه میخواهد باین مناسبت محدود نبودنش صحیح نیست و این چیزی را که بنده پیشنهاد کرده ام مطابق با قوانین معتبره در زمان فعلی است. نظر بنده این است. آقای مخبر و آقای وزیر عدلیه هم خوبست موافقت بفرمایند که یک حدی داشته باشد بالاخره تا آخر جلسه اولی محاکمه بتواند این تقاضا را بکند.

وزیر عدلیه - یکدفعه دیگر بخوانید آقا

(پیشنهاد آقای شریعتزاده مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - گاهی میشود که یک فکری جلب توجه میکند و بواسطه یواش یواش بهر دماغی که وارد میشود مناسب است باین عبارت عرض کنم که خیلی سوگلی میشود. این مسئله را که آقایان (آقای کیا و دیگران) در نظر دارند که حق تقاضا را محدود کنیم از نقطه نظر منطق بعقیده بنده بد نیست از نقطه نظر اینکه یک فکر سوگلی است. آقا آمدند و یک فرض دعوائی را گرفتند که محاکمه در یک جلسه تمام شود آنوقت میفرمایند در همان جلسه اول مدعی بیاید تقاضا کند و دلائل جدیدی هم که دارد بیاورد ولی باید عرض کنم که این ماده پیشتر ناظر بآن مواردی است که یک دعوائی چندین جلسات متعدده طول میکشد آنوقت طرف ناچار میشود و بخمال می افتد که تقاضای تأمین بکند آقا ملاحظه بفرمائید راست است که ما آمده ایم و طوری

کرده ایم که جلسات محاکمه حتی الامکان کمتر شود و گفتیم که مقدمات دعوی باید بکلی کتبی باشد وقتی که تمام مقدمات بعمل آمد و فراهم شد آنوقت محکمه جلسه معین میکند برای اینکه بتواند با یک رسیدگی بدلائل که نوشته شده و لوائحی که طرفین داده اند کار را تمام کند ولی آرد واقعاً باید دید با تمام این مقدمات ممکن است محاکماتی نباشد که طول بکشد؟! این وضعیت نه تنها در ایران است بلکه در خارج از ایران هم همینطور است تصور نباید کرد که فقط در ایران است که دعوا چندین سال میکشد دعواهای ده سال، پانزده سال، بیست سال در خارج از ایران از دعوی نیست که نادر باشد خیر آقا بعضی دعاوی مشکل میشود و بقدری اطراف و حواشی پیدا میکند که هنوز نمیشود بطوری که منظور است در یک جلسه و دو جلسه محاکمه را تمام کرد حالا در یک همچو دعوائی که عرض کردم سه سال طول بکشد سال اول و دوم باین خیال یافتادیم که تقاضای تأمین کنیم حالا سال سوم است و جلسه پنزدهم محاکمه آمد و یک دلائلی آورده در آن سال سوم بنده حق ندارم که یک دعوائی که سه سال طول کشیده است تقاضای تأمین کنم این است که بنده باز عرض میکنم و از آقایان خواهش میکنم که موافقت بفرمایند با این لایحه زیرا این خیلی مطالعه شده است و با یک پیشنهاداتی باین شکل اصل منظور و مقصود از این میرود خوب است اجازه بدهید که بهمین شکل بگذرد و باز هم عرض میکنم که این یک امری نیست که اگر آمدیم و واقعاً دیدیم خوب نبود عالم بهم بخورد چرا برای این که ضررش در چیست ضرر این فقط در این است که چندین مرتبه یک مدعی سمج لجوجی بیاید تجدید درخواست بکند و وقت محکمه را تلف کند ولی وقتی این ضرر را ما بگذاریم در مقابل آن منافعی که از این ماده انتظار داریم بنده خیال میکنم که می ارزد که آقایان موافقت بفرمایند و اجازه بدهند که این ماده اینجور بگذرد



رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد دیگری است قرائت میشود :

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود در صورتیکه محکمه رد کرده باشد فقط يك مرتبه محکمه میتواند بپذیرد تجدید تقاضا را

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - هر چند همین مطلب مذاکره شد اما بنده عقیده دارم ( بعضی از نمایندگان - این پیشنهاد رد شد ) که چون خود آقای وزیر و همه عقیده شان این است که سرعت جریان در محاکمات باشد تا مردم رغبت بکنند که رجوع به عدلیه بکنند نه این که بواسطه طول مدت محاکمات صرف نظر از حقشان بکنند و رجوع به عدلیه نکنند همه آقایان این عقیده را دارند و بنده هم این عقیده را دارم و اگر چنانچه بنا شود که محاکم دو مرتبه سه مرتبه ده مرتبه قبول تقاضا بکنند این منظور از بین میرود ( مخبر - مفاد این پیشنهاد رد شد ) این یک چیز است که به ضرر تمام مردم تمام میشود و اگر یک موضوع خاصی را انسان پیدا کرده آنرا نباید ترجیح به مواضع متعدد بدهد بنده بین ملاحظه عقیده ام این است که یک مرتبه تجدید تقاضا بکنند اگر محکمه قبول کرد که کرد و اگر نکرد تجدید دو مرتبه نشود .

مخبر - چون پیشنهادی از طرف آقای کیا در همین زمینه شده بود و رد شده بود این پیشنهاد هم که مفاد آن در آن پیشنهاد یکی است که فقط یک مرتبه میتواند تجدید تقاضا بکنند دیگر گران نمیکند بشود این پیشنهاد وای گرفت معذک بسته برای مجلس است .

فیروز آبادی - چون میدانم رأی نمیدهند بنده پس میگیرم رئیس - بلی همانطور که آقای مخبر تشخیص کرده اند رد شده است پیشنهادی از آقای دهستانی رسیده است .

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست محتره دامت عظمة . ماده سوم را بطریق ذیل پیشنهاد مینماید : ماده سوم - در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به رد نماید مدعی میتواند در حین محاکمه بشرط تقدیم و دلائل دیگری در خواست تأمین را تجدید کند .

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - پیشنهاد آقا هیچ تأثیری در اصل معنی نمیکند لهذا مورد رای ندارد . رئیس - رأی می گیریم بماده سوم موافقین با ماده سوم قیام فرمایند . ( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده چهارم قرائت میشود : ماده چهارم - درخواست تأمین را فقط در ادعائی میتوان نمود که میزان یا عین مدعی به معین باشد .

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم .

رئیس - آقای طاهری

طاهری - بنده مقصودم این بود که از طرف آقای مخبر يك توضیحی داده شود و بر خلاف این ماده يك مثالهایی زده شود که چطور میشود میزان مدعی به معین نباشد و تقاضای تأمین هم بکنند این را خواستم يك توضیحی بدهند که چطور میشود که برای مدعی به توان میزانی معین نمود و تقاضای تأمین هم بشود که در ماده میگویند در خواست تأمین را فقط در ادعائی میتوان نمود که میزان

مدعی به معین باشد فرض مخالفتش را خواستم مخبر - بسیاری از دعاوی است که نمیشود مدعی به را تعیین کرد و میزانش را معین کرد لذا باید در این موارد استثناء کرد فرض بفرمائید که شما قیم صغیری هستید و دعوی قیمومت دارید قیمومت که قابل تقویم نیست اگر کسی دعوی بنوت دارد دعوی ابوت دارد دعوی از این قبیل چیزها را دارد از قبیل وصایت ، دعوی تولیت ( نه حق التولید ) دعوی این را که من متولی هستم این قبیل دعاوی قابل تقویم نیست و نمیشود مقدارش را معین کرد و بالاخره نظائر زیاد دارد .

رئیس - آقای دکتر طاهری

طاهری - در این فروضی که فرمودید اصلاً تأمین معنی ندارد که يك ماده بخصوص برای آن نوشته شود لازم نیست که نوشته شود در این مورد تأمین را نمیشود در خواست کرد اصلاً بعقیده بنده این ماده لازم نیست زیرا در این فروض اصلاً تأمین مدعی بهی نمیشود و تقاضا نمیشود که بنویسیم چیز است یا نیست در موضوعی که تأمین ممکن باشد میگویند که این جایز است قانوناً یا نه ولی وقتی که اصلاً جائی باشد که تأمین معنی نداشته باشد در خواستش البته معنی ندارد که يك ماده بخصوص برای این ذکر کنیم و بگوییم که نمیشود در خواست را در این قبیل مواقع که فرضش را هم نمکن نیست بکنند در خواست تأمین پذیرفته نمیشود بعقیده بنده موضوعی ندارد

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - علت این که این ماده نوشته شده است همان است که خود حضرت مدعی فرمودید چون اصلاً معنی ندارد در این قبیل مواقع تعیین مدعی به شما ملاحظه بفرمائید که اگر این قانون حق میداد که مدعی وصایت از محکمه تقاضا کند مدعی به معین را تأمین کن برای قاضی هم مطابق قانون مانعی نبود این يك کار عبث و لغوی بود این است که در اینجا تصریح شده است

که در دعاوی که میزان مدعی به معلوم نیست و يك مقدار معینی نیست حق تأمین ندارد .

رئیس - موافقین با ماده چهارم قیام فرمایند .

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده پنجم قرائت میشود :

ماده پنجم - در موارد ذیل محکمه مکلف بصدر قرار تأمین است :

۱ - هر گاه مستند دعوی سند رسمی باشد یا سند عادی که دارای اعتبار سند رسمی شده است .

۲ - هر گاه مستند دعوی سند عادی بوده ولی مدعی علیه در صدد تظییع و تفریط مدعی به باشد

۳ - هر گاه مستند دعوی سند عادی است و مدعی

برای جبران خساراتی که ممکن است از زمین بظرف وارد شود و محکمه میزان آن را تخمین خواهد کرد تأمین بدهد .

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - بنده تصور میکنم این ماده برای مدعی علیه يك مضیقه هائی ایجاد میکند زیرا که در قسمت اول که سند رسمی باشد یا سند عادی که بمنزله سند رسمی باشد محکمه مکلف است که قرار تأمین صادر کند در قسمت دوم هم که تظییع و تفریط باشد و اجرائز شود پیش محکمه که تظییع و تفریط بوده اینجا هم میشود که تأمین کرد ، بمحض اینکه هر مدعی آمد و اظهار کرد که آقا شما تأمین کنید من آقا را اگر چنانچه خسارتی به آقا از این تأمین وارد آمد بنده میدهم و تأمین میکنم اینجا محکمه را مکلف کرده اند گمان میکنم که يك تظییعی به مدعی علیه بشود اگر شما محکمه را مختار میگردید بهتر بود که محکمه در رد و قبول آراء بود که در يك جائی محکمه وقتی که میدید مورد ندارد و لو این که طرف هم خسارات را جبران کند محکمه قرار تأمین صادر نکند و اینکه اینجا نوشته است که قاضی مکلف است بمحض

در قوانین فعلی هست ولی عمل بهش خیلی کم میشود برای این که بسته است بنظر قاضی الان مالی در معرض تضییع و تفریط است قاضی هم البته طرز فکرش مثل طرز فکر شما و بنده است ماها یک حالتی داریم وقتی که بنا بشد یک کسی آمد و در مقابلان نشست عطفوت میکنیم ما رحمان خیلی بیچشممان است خوب طرف میگوید که من یک سندی دارم اول که سند را تکذیب میکنند بعد تردید میکنند بعد از مدتی راجع به جعلیت صحبت میکنند دعوا پیدا نکردید آقا خدا نکرده که به بینید چه میشود...

کازرونی - والله تا بحال دعوی نداشته ام من بعد با این قانون پیدا خواهم کرد  
(صدای زنگ رئیس)

وزیر عدلیه - طرف دعوا نبودید یا دعوا نداشتید؟

کازرونی - نه مدعی بوده ام و نه مدعی علیه.

وزیر عدلیه - همه اشخاصی که در این مملکت مثل آقا خوش حساب نیستند که نه طرف دعوی واقع شوند و نه بر علیه کسی دعوی داشته باشند حالا ما خواستیم یک کاری بکنیم که مدعی علیه مصلحت و منفعت خودش را در بد حسابی نداند چرا آلمان مصلحت خودش را به بد حسابی میداند؟ برای این که میگوید من این مبلغ پول را که بایستی بدهم، این مال را که بایستی بدهم این را اگر امروز بدهم از این منفعتی که امروز میرم باید صرف نظر کنم اگر آمدیم و رقیتم دعوی کردیم در مرحله ابتدائی بعد استیناف بعد تمیز بعد هم اگر قضیه برگشت دومرتبه از سر گرفته میشود و هفت هشت ده سالی میتوانم من این مال را نگه دارم خوب آیا یک ضرورتی واقعا هست (ضرورت اخلاقی را کنار میگذاریم) که هر کس امروز با کسی حسابی دارد آن حساب را بدهد؟ بنده عقیده ام این است که هر کس مصلحتش امروزه در این مملکت این است که تا ممکن است آن حسابی

را که باید بدهد ندهد بجهت این که تازه وقتی که محکوم شد چه خواهد شد تازه می بینید آنوقت يك شخص ثالثی پیدا میشود و يك مشکلات دیگری پیش می آید و اگر بکطرف قانونی پیش پایش گذارده نشود بکروزی بالاخره باید همین پول را بدهد پس شما اگر نخواهید این تضییق برش نشود آن مقصود حاصل نمیشود حالا در يك قسمت آمده ایم در قسمت اول که میگوید هرگاه مستند دعوی سند رسمی است یا سند عادی است که در حکم رسمی شده باشد خوب يك کسی سند رسمی دارد که لازم الاجرا است و بدون رجوع به محکمه ولی مواردی پیش می آید که ممکن است بعضی از قسمت های آن به محکمه رجوع شود خوب وقتی که رفتند این آدم حق نداشته باشد که تقاضای تأمین کند؟ که تضییقی بر مدعی علیه نشود! يك کسی دیگر در مورد دیگری است که سندش سند عادی است ولی مدعی علیه مشغول است که مال را نقل و انتقال میدهد و آنرا تفریط و تضییع میکند خوب چه باید کرد؟ خوب به او تضییق میشود؛ تضییق میشود یعنی چه؟ تضییقی که میفرمائید معنی آن این است که اگر مال غیر منقول است با او مینویسند که این مال توقیف شده است و انتقال نمیتوانی بدهی عجب کار بدی است که بان آدم که ملکش، دارائیش طرف ادعا است نوشته میشود که آقا انتقال ندهید بجهت این که زودتر شاید تکلیف این کار را معلوم کنند! یا اگر خیر مال منقولی است اگر آدم معتبری است که مال را دست خودش میسپارند ولی اگر يك کسی است که ممکن است دارائی را بردارد تفریط کند باید تأمین کرد و توقیف کرد چاره هم نیست یکی پول بی زبان خودش را داده است بيك آدم زبان داری ما هم هزار زبان قانونی برای او درست میکنیم میگوئیم تو میتوانی در تمام این مراحل از هزار و خرده مواد قانون اصول محاکمات استفاده کنی بنده میخواهم يك روزی که هم آقا وقت داشته باشند و هم بنده آقا بیائید و بکفدري به بعضی محاکمات نگاه کنید و احصائیه ها را نگاه کنید به بینید در عمل

چه موافقی هست و آنوقت مثل بنده در صدد می افتید که از چه راههایی جلوگیری کنید همانطور که آقا نه از نظر ترحم (که البته بجای خودش خیلی خوب است) شما بیائید و بطور کلی نگاه کنید نظر تأمین می رود روی فرض بنده این طور نیست که يك مدعی علیه است که این جور طرف اعتراض واقع شود و يك مدعی هم هست که یکسند عادی دارد و معلوم نیست سندش اساسی داشته باشد و مطابق این ماده يك اجاجتی میکند که خسارت تأمین را جبران کند يك همچو مدعی در مقابل هست آنوقت آن بد بخت بیچاره مدعی علیه مثل بکجوجه در مقابل محکمه نشسته است و میلرزد شما دلتان بحال او میسوزد ولی این طور نیست شما وقتی فکر کردید دیدید اشخاصی راست راست راه میروند و پول مردم را بر میدارند آنوقت يك مدعی هائی که آمده اند اعتبار کرده اند پولشان را داده اند بدست این آدم حالا این آدم نمیخواهد بدهد آن بیچاره شاید ورشکست بشود هالش می رود در نتیجه این کار بجهایش سرب می شام زمین میگذارند آن وقت آدمی پنجهزار تومان، ده هزار تومان مال این مدعی را بر میدارد و میخورد این طرف قضیه را هم اگر بر دارید نگاه کنید قضیه درست میشود و کار درست میشود پس اگر چنانچه آقا میخواهند یک کاری بکنند که ما موفق به این بشویم که يك کسی از برای ظفره از پرداخت نگوید که اگر طلبی داری برو به عدلیه باید بنده و شما یک کاری کنیم که بدانند اگر یک طرفش رفت بعدلیه هم برایش تضییق است و هم به او سخت خواهند گرفت و همان دفعه اول هم دست میگذارند روی آن مالی که باید بدهد (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

کازرونی - بنده مخالفم کافی نیست.

رئیس - بفرمائید.

کازرونی - عرض کنم. قانون می آید در مجلس که هر کسی نظریات خودش را بگوید اگر دو نفر که صحبت

داشت حق باقی‌نکلی سلب میشود و مذاکرات کافی است پس لزومی ندارد بنده میگویم مذاکرات کافی نیست چرا؟ برای این که نظریه دارم شما میفرمائید که نظریه‌نداری شما که خبر از قلب من ندارید عجب ( خنده نمایندگان ) شما میگوئید از حقت صرف نظر کن که شما که همچو حقی ندارید

وزیر عدلیه - پیشنهاد بدهید آقای

رئیس - موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند . ( عده زیادی قیام نمودند )

رئیس - معلوم میشود کافی است . پیشنهادی از آقای کیا رسیده است قرائت میشود : پیشنهاد آقای کیا

مقام منبع ریاست معظم مجلس مقدس دامت شوکه العالی بنده پیشنهاد مینمایم فقره سیم ماده پنجم بطریق ذیل درج شود . هرگاه مستند دعوی سند عادی است ولی درخواست تأمین عین مدعی به شده باشد و مدعی برای جبران خسارتی که ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آن را تخمین خواهد کرد تأمین نماید .

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - بنده در مقابل بیانات و فرمایشات آقای وزیر عدلیه خیلی الکن هستم ولی در قسمت اول و دوم این ماده هیچ اشکالی نداشتم و تمام قوای دفاعیه ایشان هم روی آن قسمت صرف شد فقط بنده در قسمت سوم اعتراضی داشتم حالا هم اگر صلاح میدانند ممکن است پیشنهاد مرا مسترد دارم بنده در قسمت سوم مقصودم این بود که بمحض اینکه مدعی اظهار کند که من خسارت شما را تأمین میکنم تقاضای تأمین را قبول کنند بنده گمان میکنم که اینطور و این اندازه خوب نیست لهذا ضمیمه کردم که در مواردی که تقاضای تأمین عین مدعی به را بکنند و خسارات را هم قبول بکنند در این مورد تقاضای او را قبول کنند

بسیار بسیار خوب است استدعا میکنم که آقای وزیر محترم عدلیه يك عده از تجار متخصص را که عمده تجارت مملکت ...

عراقی - متخصص در چه ؟

کازرونی - متخصص در تجارت . که داد و ستد عمده معاملات و تجارت مملکت بدست آنها میشود حاضر کنند به بینند واقعا اگر چنانچه بخواهیم این قانون را در مورد معاملات تجارته و تجار و اختلاف فیما بین تجار اجرا کنیم چه حای پیدا میکند ؟ متداعیین تجار دعاویشان شکست و عنوانش بکمی غیر از متداعیین و دعوی سایر اشخاص است مثلا يك کسی ادعا میکند میگوید يك تنخواهی قماش از شما خواستم شما برای من فرستادید من هم پول را بشما کارسازی کرده حالا این تنخواه را که ملاحظه میکنم مطابق با آن دستوری که من داده ام نیست و مستلزم پنجاه هزار تومان خسارت است بمجرد این ادعا اگر بنا باشد که ما بخواهیم تأمین مدعی به بکنیم و مدعی هم بگوید که من خسارت این تأمین را از عهده بر میآورم پس این تأمین تاجر ظرف ورشکست نمیشود ؟ بنده اطمینان میدهم چون تأمین مدعی به از برای تاجر گذاردن مبلغ پنجاه هزار تومان پول نقد است در محل معینی که این پنجاه هزار تومان یا بیست هزار تومان را در يك گوشه بگذارد بالاخره این شخص ورشکست خواهد شد و کارش بریشیده میشود میفرمائید اگر مدعی محق نبود ممکن است این رشته هی پاره شده اش را بهم بیوند کنند او دیگر مرده است و زنده نخواهد شد عمل او تمام است و از این مقوله اختلافات تجارته است ادعای بیمه از قبیل ادعای شرکت از قبیل ادعای تنزیل و غیره و غیره این ها يك چیز هائی نیست که انسان بتواند درست در معرض نظر واردش کند . این ماده پنج را که شما آوردید که فقط مدعی بدون اینکه سند رسمی باشد عادی باشد بان شرطی که نوشته اید بمجرد ادعای تجارته بگوید که مدعی به من یا تأمین بکنید

بنده گمان می‌کنم غیر عملی باشد و اما اینکه فرمودند جبران خسارت را بکنند این خسارت جبران کردن يك کلمه ایست که حقیقه هزار چیزها دارد مثلا راجع بيك نفر از تجار شما میگوئید جبران خسارت تو را تأمین میکنیم یعنی تنزیل پولت را میپردازیم ؟ اینکه برای او افاقه ندارد و فایده ندارد پس چه کار می‌کنید ؟ این آدم رشته تجارتش پاره شده است کارش از هم گسیخته و پریشیده شده است آنوقت شما میگوئید خسارت او را تأمین می‌کنیم ؟ این چه فایده دارد ؟ در هر صورت بنده تصور میکنم برعکس این قسمت سیم را احتیاطا حذف بکنید . شما میفرمائید ما این را در مورد و مرحله عمل وارد میکنیم اگر دیدیم بد شد آنوقت حذف میکنیم بنده عرض می‌کنم از حالا حذف کنید اگر دیدید در عمل و اجرا يك بدی داشت و يك وقفه در امورات وارد شد آنوقت بیورید و عمی بکنید و از مجلس بخواهید

رئیس - آقایان نظری ندارند . آقای احتشام زاده احتشام زاده - بنده محترم خودشان در ضمن فرمایشات شان فرمودند که من خوشبختانه طرف دعوی نبوده و هیچوقت مدعی هم نبوده ام البته تصدیق فرمائید وقتیکه طرف دعوا نبوده اید از زحمات و صدمتهائی که برای اشخاص طرف دعوا روی میدهد اطلاع ندارید و از حرفی هم خودشان تصدیق و اعتراف میفرمائید که آقای وزیر عدلیه اطلاعات کاملی در امور قضائی دارند و از برای يك آدمی که خودش را در يك قضیه بی اطلاع میداند نسبت به يك آدمیکه بصیر و با اطلاع است حق این است که تسلیم بشود . فرمودند خوب است يك عده از تجار متخصص را بیاورید و مشورت بکنید و مضامع بکنید بنده خیل میکنم این قانون قانون تجارته باشد قانون قضائی است و برای شور در مسائل قضائی هم محتاج بمشاوره و مراجعه به تجار نیستیم بلکه باید بکسانی که در فن قضاء متخصص و متبحر هستند مشورت کنند بنده نمی دانم چرا آقای

این قدر میترسند که طرف دعوی یعنی مدعی تامین مدعی به را بخواهد در صورتیکه مدعی حاضر شود که هر گاه ضرر و خسارتی از تامین مدعی به بمدعی علیه وارد شود جبران کند بنده نمیدانم چه نگرانی ایشان دارند؟ می فرمائید اگر یک تاجری را تامین نمایند و در شکست میشود و خسارات زیادی بار وارد میشود عرض میکنم ما قید کردیم که مدعی تامین بکند آن خسارتی را که از این تامین وارد میشود.

بعلاوه اشاره فرمودند که تاجر مدعی علیه و رشکست میشود و شما که اینقدر اهمیت میدهید بتاجر و رشکست شدن تاجر بدین طرف هم اهمیت بدهید اگر مدعی علیه تاجر است مدعی هم تاجر است و از رسیدن بحقش و رشکست میشود اینکه فرمودید بمجرد ادعا باید تامین بدهد و مدعی به را تامین کنند اینطور هم نیست آقا. اینجا نوشته شده است اگر مدعی سندش سندعادی باشد یعنی حتماً در دعوی سند داشته باشد و از طرفی هم حاضر باشد حتماً خساراتی را که از تامین بطرف وارد میشود جبران کند آنوقت محکمه مکلف است تامین بکند مدعی به را - و بطوریکه آقا وزیر عدلیه هم فرمودند اصل منظور این است که باین وسائل و این تضمینات (که حق هم هست) بیایند و یک مقداری مدعی علیه را برسانند که حتی المقدور خودشان بیایند و در خارج حاضر شوند که دعاوی را بین خودشان حل و فصل نمایند و محتاج باین نباشند که بعداً به مراجع کنند و بخواهند اطاله وقت بکنند که حق مردم بتأخیر افتد یا بخواهند حق مردم را تضییع کنند.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده پنجم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام کردند)

رئیس - تصویب شد

تقدیم لایحه منع ورود نقره و تصویب فوریت آن  
معاون وزارت مالیه (سیاح) - لایحه ایست راجع بمنع ورود ...

جمعی از نمایندگان - آقا بلند تر. بلند تر.

معاون وزارت مالیه - يك لایحه ایست راجع بمنع ورود نقره و مسكوك و شمش و خاك نقره تقدیم میکنم عده از نمایندگان - الحمدالله . الحمدالله

کازرونی - تقاضای دو فوریت میکنم (صحیح است)

معاون وزارت مالیه - تقاضای فوریت شده است

لایحه منع ورود نقره

ساحت محترم مجلس شورای ملی بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است بواسطه ترقی فوق العاده که در نرخ اسعار خارجه در داخل ایران حاصل شده به تجارت ایران لطمه زیادی وارد شده است عامل مهمی که موجب این ترقی گشته همانا تنزل قیمت نقره در بازار دنیا میباشد ولی يك علت داخلی هم وجود دارد و آن آزادی ورود نقره بایران است که در تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۰۷ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است. بنا بمراتب فوق ماده ذیل را تقدیم و تقاضای تصویب آن را بقید دو فوریت مینمایم

ماده واحده - ورود نقره اعم از مسكوك یا غیر مسكوك و شمش و خاك ممنوع خواهد بود

تبصره (۱) - هر مسافری در موقع ورود بایران میتواند تا دوازده تومان مسكوك نقره همراه داشته باشد تبصره (۲) - ورود مصنوعات نقره آزاد و از حیث حقوق گمرکی تابع مقررات قبل از تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۰۷ خواهد بود

رئیس - فوریت مطرح است. آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای عراقی

(عدل - نیست. مخصوصاً روپیه ... ) روپیه سکه مخصوصاً در حکم طلا است (بعضی از نمایندگان نیست اینطور) و اگر شما حکم کردید که نباید و منع کردید که وارد نشود ضرر میرساند آقا روپیه می آورند و در عوض از مال التجاره داخلی شما خرید می کنند خرماي شما اجناس شما را خرید می کنند و عیناً فرستاده میشود بخارجه همان روپیه که محل احتیاج شما است حالا میگوئید روی هوا که وارد نشود؟ این در واقع مثل این است که شما منع کنید از صدور مال التجاره تن بخارجه باز هم عرض میکنم روپیه سکه حکم شلینگ دارد شلینگ بیست دیش يك پوند است روپیه سیزده دیش يك پوند است شما میگوئید پوند هم وارد نشود؟ خیلی زحمت کشیدید. این بنا بر را بکنی خراب می کند

رئیس - آقای روحی

روحی - مقصود دولت از تهیه این لایحه يك خدمت بزرگی بمملکت است و هیچکس هم حرفی ندارد و اما این پولی که واحدش طلا است عین روپیه ... (همهمه نمایندگان - صدای زنگ)

روحی - من اساساً تصور می کنم طلا از این لایحه مستثنی است چرا که دولت میگوید مسكوك نقره را منع میکنیم و این منحصر بر روپیه هستند تا دفع نمیکند البته در صورتیکه واحدش طلا باشد مطابق نص صریح این ماده مستثنی است که مورد بحث نیست و تصور نمی کنم طرف اعتراض باشد و البته دولت هم با یک مضامین دقیقینی این لایحه را آورده است و خود او متوجه بوده است که طلا را نباید از ورود بایران منع کند و اما اینکه فرمودید که شما میگوئید پوند هم وارد نشود. پوند در غالب جاها کاغذ است و مسكوك نیست البته روپیه هم روپیه کاغذی است و آنهم در حکم پوند است و گمان نمیکنم مانعی برای ورودش در مملکت باشد

عراقی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای عدل

عدل - موافقم

رئیس - کازرونی

کازرونی - در فوریت مخالفی نیست.

رئیس - موافقین با فوریت اول قیام فرمایند

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است

مخالفی ندارد؟

(نمایندگان - خیر)

رئیس - موافقین با فوریت ثانی قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است

(ثانیاً قرائت شد)

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم که قانونی است راجع بمنع

ورود نقره، شمش یا مسكوك بمملکت ایران ولی بنده

می بینم يك قسم راجع به روپیه است

عدل - مخصوصاً روپیه. روپیه. (همهمه)

(صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت)

کازرونی - اجازه فرمائید آقا. اولاً راجع بغیر

مسكوك می نویسد این یعنی چه؟ و ثانیاً مسكوك نقره

که وارد ایران میشود از جمله اش روپیه است روپیه سکه

عدل - وارد نشود

کازرونی - صبر کنید آقا روی هوا نگوئید نشود

مطالعات زیاد باید کرد روپیه سکه در حکم طلا است

رئیس -- آقای دشنی

دشنی -- عرض کنم اولاً تنزل پول نقره و ترقی پول طلای خارجه تنها مربوط بآمدن نقره بایران نیست بلکه یکی از عوامل مختصرش آزادی ورود نقره بود بایران. از طرفی هم آزادی ضرب مسکوک در ضراب خانه بود که سکه میزنند و شاید آزادی ورود نقره بتواند از ترقی آن نرخ مسکوک خارجه جلوگیری کند. این یک مسئله است. اما اینکه آقای کازرونی فرمودند این قسمت محل احتیاج تمام بنادر جنوبی مملکت ایران است. برای اینکه در سواحل خلیج فارس و آن حدود خرما میخرند و بمردم هم روپیه باید بدهند و این هم ظاهراً روپیه نقره است ولی در حقیقت روپیه نماینده طلال بانکهای هندوستان است که موجود است و در بازارها بشکل روپیه گردش میکند و اگر شما روپیه را از ورود بایران منع کنید مثل این است که شما خروج مال التجاره آن را از ایران منع کرده باشید (کازرونی - صحیح است) و بکی تجارت قان فلج میشود.

کازرونی -- چهار میلیون مروارید شما بوسیله روپیه فروخته میشود. چه میگوئید؟

رئیس -- آقای عراقی

عراقی -- بنده از فرمایشات آقای کازرونی موافقت و مخالفتی در این لایحه بنظر نیامد برای اینکه آقایان هر دو اظهار موافقت کردند و در یک قسمت مخالفت کردند ولی این قسمت را هم خودشان تصدیق دارند که وقتی بنا باشد ورود نقره ممنوع باشد اعم از مسکوک و غیر مسکوک باید باشد چون یکی از لطماتی که وارد میسازد همان نقره مسکوک است اگر این را ملاحظه میفرمائید که خرما میبندد و میخرند در مقابل روپیه میدهند و این روپیه نماینده طلاست و ما در عوض این روپیه را مجدداً بانها برمیگردانیم و میفرستیم بانجا.

عرض می کنم در اینجا این لایحه راجع بنقره ایست که اذکار بطلان نداشته باشد و قیمت نقره واقعی داشته باشد و شما که میفرمائید روپیه طلاست برای اینکه سیزده نای او مطابق با یک پوند است پس او را ما نمیتوانیم در اینجا نقره اسم بگذاریم (اگر اینطور باشد که میفرمائید) پس خوب است آقای اصل لایحه یک مطالعه و قضاوتی بفرمائید که لایحه دولت راجع بورود اصل نقره بایران مفید است یا نه؟ بحسب قاعده مفید است و همانطور که میفرمائید یکی از عوامل خیلی کوچک است و بنده عقیده دارم که اصل تنزل پول نقره با ترقی پول طلا مربوط باین مسئله که ورود نقره در ایران آزاد است نیست چون معادنی بوده است دو سه تا معدن خیلی بزرگ نقره بوده است که آنها را هم حالا بعضی های ترا بیک جهاتی استخراج نمی کنند و اگر استخراج شود که خیلی تنزل میکند و بنده هم اساساً در این موضوع با دولت حرف زده ام و تصور میکنم که این لایحه عجاله برای ما خوب است و تا یک درجه البته بطور کلی که خیر ولی تا یکدرجه بدرد میخورد. روپیه را هم اگر میگوئید طلاست که بموجب این قانون شامل نمیشود و اگر هم نقره باشد که قیمتش روی ترقی و تنزل طلا ترقی و تنزل میکند ولی بنده خیال میکنم که حال نقره را دارد (صحیح است)

رئیس -- آقای اعتبار مخالفند

اعتبار -- بلی. این جا دو موضوع بود یکی اینکه آقای کازرونی فرمودند و بنده تصور میکنم معاملات بنادر و صفحات جنوب از نقطه نظر فروش محصول خرما و این جور چیزها که باید بفروشد معاملاتش همه با روپیه است لازم است مراعات شود و از این راه بکن است یک صدماتی بهشان بخورد برای اینکه وقتی که آنها نتوانند پولشان را بیاورند و در مقابل جنس ببرند هیچ اشکال ندارد برایشان و مبروند از بین التهرین میخرند برای اینکه در دو سال قبل هم یک قدری مشکل کردیم قضیه

را و بنده می شنیدم که در این دو سال یک خسارت عمده در صفحات جنوب بردیم. یکی هم این موضوع است که یکی از رفقا به بنده تذکر دادند و مرا متوجه ساختند و آن تصره دوم است که مینویسد: ورود مصنوعات نقره آزاد است یعنی مطابق قانون قبل از اسفند ماه تقریباً آزاد است و کمرک میدهد و میتواند وارد شود بنده گمان می کنم وقتی که ما احساس کردیم ورود نقره برای ما مضر است در این صورت این را هم باید از بین ببریم و هیچ اشکالی ندارد و برای وارد کنندگان که یک شمش را بر دارند و بصورت یک قاب بزرگ دریاورند یا صورت کسه یا گداز بزرگی بهش بدهند و با یک حقوق گمرکی که میپردازند وارد کنند و با خرج مختصری این جا آب کنند و هر قدر می خواهند بفروشند و باین جهت بنده عقیده دارم این است که این قسمت را بیشتر مطالعه نمایند. راجع بورود روپیه هم چون برای خوزستان و بنادر جنوبی ایران لازم است که برای خرید از هندوستان روپیه بآن جا وارد شود این را باید بیشتر دقت و مطالعه کنند و راجع مصنوعات هم عقیده دارم که آن را هم ممنوع کنیم و برای ما لزومی ندارد و ما اصلاً احتیاج نداریم بیک چیزهای لوکسی.

رئیس -- آقای فیروز آبادی مخالفند؟

افسر -- اجازه میفرمائید؟

رئیس -- بفرمائید

افسر -- بنده عقیده دارم این است که آقای معاون وزارت مالیه بایستی کاملاً این قسمت را توضیح بدهند بجهت اینکه هر دو طرف ادعای بداهت می کنند و بالاخره ما نفهمیدیم که دولت خودش چه نظری دارد و چه استدلالی می خواهند بکنند که آب باید این منع شود یا نشود؟

معاون وزارت مالیه -- منع ورود مسکوک را که پیشنهاد کرده اند برای این است که یک مقدار

زیادی از مسکوک شکسته ایران را از خارجه می آورند و تحمل تجدید ضرب آنها برای دولت مشکل است و مخارج زیادی لازم دارد باین ملاحظه اگر اجازه نفرمائید برای مسکوک آنوقت باز اسباب زحمت و ضرر میشود و تمام آن مسکوک شکسته که الان خیلی هم هست وارد و باز اسباب زحمت میشود و اگر برای روپیه هم اشکالی دارند ممکن است برای آن پیشنهاد جدیدی بعد داده شود عجاله راجع باین ماده خوب است همانطور که پیشنهاد شده است تصویب بفرمائید راجع بمصنوعات هم اگر چنانچه بخواهید آن را محدود کنید این خیلی اسباب زحمت است برای اینکه یک اشخاصی می آیند و یک مختصر مصنوعاتی همراه دارند نمیشود آنها را منع کرد یک حقوق گمرکی دارند که باید در موقع ورود بدهند و اساساً این نقره مصنوع را بصورت سکه در آوردن و آب کردن برای صاحبانش فایده ندارد و ضرر دارد.

رئیس -- آقای کازرونی پیشنهاد کرده اند که لایحه از دستور خارج شود.

عدل -- مخالفم

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- آقا بنده عقیده دارم این است که یک نفر مخالف نیست و خیلی هم مشتاقانه استقبال می کنند که دولت ورود نقره را منع کند ولی بنده عرض می کنم لایحه طوری تنظیم شده است که محتاج بمطالعه و مباحثه است عرض می کنم که بنده استراق سمع کردم حضرت آقای وزیر عدلیه هم داشتند این جا همین مطلب را کانه می گفتند که این لایحه مطالعات لازم دارد. بنده عرض می کنم راست است اگر چنانچه قران های شکسته از سرحد وارد ایران میشود باید جلو گرفت ولی روپیه که در حکم طلا است و در حکم اسکناس است و طرف احتیاج است و اگر این را هم بعنوان منع ورود نقره جلو گیری کنید این اسباب زحمت مردم میشود مدتها زحمت کشیده شد با وزارت مالیه مذاکره شد و باورنی تهیه شد

و با اینکه قانون منع مسلم و صریح کرده بود بطور موقت آن را آزاد گذاشت و در حقیقت بنادر را زنده کردند شما بواسطه این ماده قانون از یک طرف میگوئید آمهائی که وارد میشوند تا چه مبلغ پول همراه داشته باشند اینها محتاج بمطالعه است که آیا لازم است یا لازم نیست غرض ما این است که ورود نقره بایران ممنوع باشد اما مثلا مصنوعات نقره مثلا ممکن است يك كوزه خیلی بزرگی را از نقره بسازند خوب درست کنند و بیاورند بفروشد امروزه نقره چندان قیمتی ندارد در خارجه يك كوزه درست میکنند پنجاه من وزنش و می آورند اینجا میفروشند آخر برای چه و چرا این آزاد باشد ولی رویه که نمائنده پوند طلا است و طرف احتیاج بنادر است ممنوع باشد؛ آیا ما این اندازه مصنوع نقره نمی توانیم در مملکت خودمان تهیه کنیم؟ اگر بشود با تجمعی هستیم که اینها را هم میخواهیم از خارجه وارد کنیم که این خیلی کار غلطی است و نباید بکنیم (صحیح است)

رئیس - آقایانی که با پیشنهاد آقای کازرونی موافقت فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بعقیده بنده . . .

اعتبار - بنده پیشنهادی تقدیم کرده بودم .

رئیس - پیشنهاد تجزیه را مفرمائید؟

اعتبار - بلی بلی

رئیس - حالا موقع ندارد. آقای فیروز آبادی مفرمائید

فیروز آبادی - بعقیده بنده ترقی و تنزل پول طلا

و نقره هیچ ربطی با آزادی ورود نقره در مملکت ندارد بجهت اینکه يك دول سرمایه دار خرج شان کم شده و برای اینکه دول سرمایه دار دارند جمع میکنند طلا را

شده باشد شکسته باشد ترك داشته باشد این يك امر کلی است یعنی چه دو هزاری يك گوشه اش صاف شده بر نمیداریم یعنی چه؟! عدل - چه میگوئی آقا اینها مربوط بموضوع نیست (همهمه - صدای زنك)

عدل - چه میگوئی آقا اینها مربوط بموضوع نیست (همهمه - صدای زنك)

فیروز آبادی - خوب در اسکناس هم همین کار را بکنید اگر اسکناس آقایك خط برداشت با پاره شد بر ندارید. چطور يك کاغذ بی ثمر اگر ده تیکه هم شده باشد بر می دارند و خوبست ولی اگر خودتان پول قران يك ترك برداشت نباید بر دارید؟ آخر ملتفت بشوید به بنیید این معایب از کجا است آنها را اصلاح کنید و رفع کنید این ها چیز هائی است که بضرر ما تمام میشود کلیه قران را ما دو ساعت بهر کس میخواهیم بدهیم نمیخواهند و قبول نمیکنند و اسکناس میخواهد. آخر چرا؟ بهمین ملاحظات است که سکه ما نامرغوب میشود خودمان میکنیم دیگر می ایراد می ایراد صاف است زنجیره اش کم است اینها یعنی چه؟ باید دولت در این باب يك مطالعه بکند و سکه خودش را محترم بدارد و نگذارد اینجور بشود باید سکه ایران را محترم بشمارد ولو قطعه قطعه و شکسته شده باشد باید قبول کند این موضوع مهمی بود که بنده اینجا عرض کردم حالا خود دانید

[ ۶ ختم جلسه - موقع و دستور جلسه بعد ]

رئیس - آقای دشتی پیشنهاد کرده اند جلسه ختم

شود (صحیح است) مفرمائید توضیح بدهید.

بعضی از نمایندگان - مخالفیم

دشتی - بنده توضیح زیادی ندارم يك توضیحاتی

آقای معاون دادند که قانع کننده نبود آقایان هم يك نظریاتی دارند که يك قسمتش صحیح است بنا بر این بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود تا برای جلسه آتیه در وزارت مالیه این مطلب را درست مطالعه کنند و اینجا توضیح بدهند آقایان هم مطالعه بیشتری بکنند تا در جلسه آتیه مطرح شود و با بصیرت و اطلاع رای داده شود (صحیح است)

اعتبار - بنده مخالفم

رئیس - عرض کنم که ما بقبول پیشنهاد آقای دشتی اجبار داریم برای اینکه عده خواهند کان اجازه یعنی کسانی که می خواهند حرف بزنند بالغ بر بیست و شش نفرند پیشنهاداتی هم که بنده رسیده است در حدود دوازده الی سیزده نفر است فقط کاری که ما می توانیم بکنیم این است که جلسه را ختم کنیم و موقع جلسه آتیه را نزدیکتر معین کنیم که هر دو نظر تامین شده باشد و الا ما هر قدر جلو تر برویم باز پنج دقیقه بیشتر جلو نرفته ایم و باز مصادف یک همچو پیشنهاداتی میشود (صحیح است) بنا بر این اگر موافقت مفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتیه شب یکشنبه (سیزدهم) همین ماه تا اینکه در قضیه هم مدافعه شده باشد. (صحیح است) . . .

عده از نمایندگان - سه ساعت از شب گذشته جلسه بشد

رئیس - ساعت هفت و نیم بعد از ظهر (صحیح است)

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر